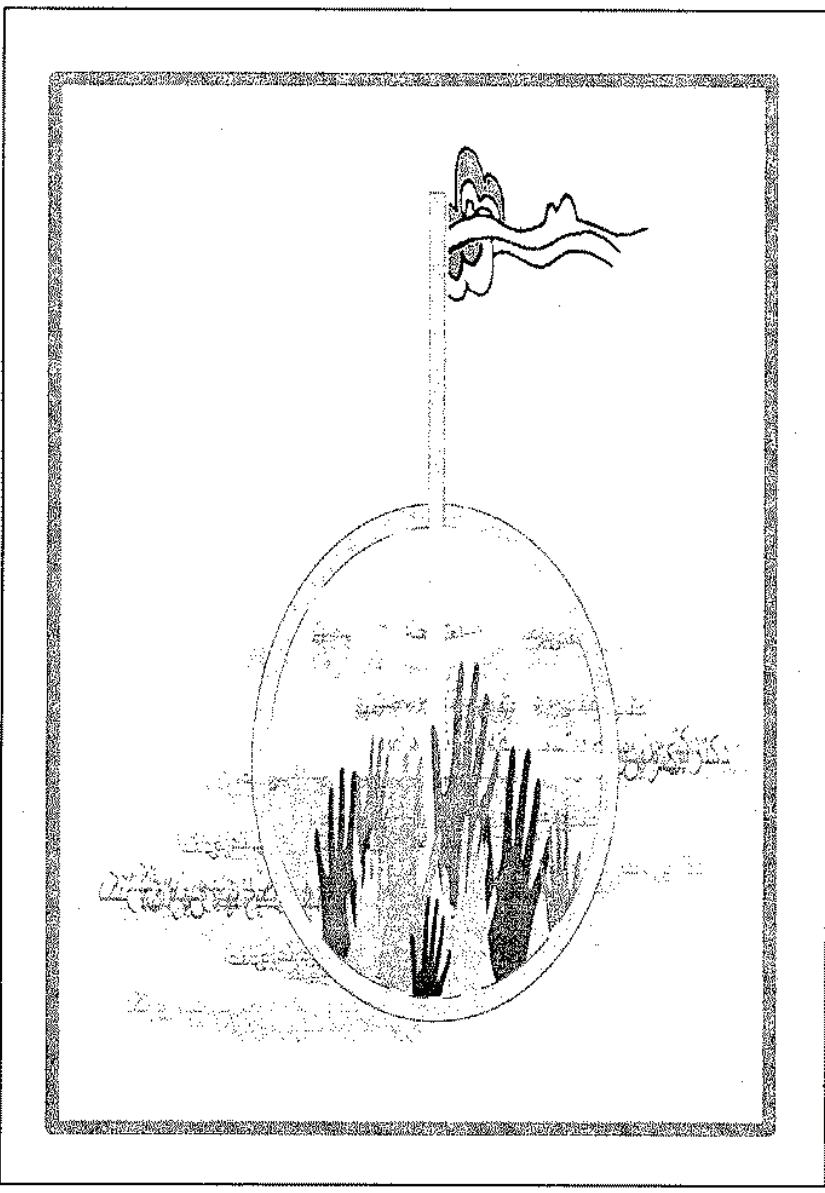


کتابخانه



دکترین مہدویت و حکومت جہانی مہدویا

۱۰

علی ربانی گلیپایگانی



ما به احوال شما آگاهیم

و هیچ خبری از شما بر ما

پوشیده نیست.

احتجاج طبرستان ج ۱ ص ۲۱۲

اشاره:

یکی از ارکان مهم دکترین مهدویت حکومت جهانی مهدوی، است که به اقتضای قواعد عقلی، آیات قرآنی و احادیث اسلامی، جهانی به شمار می‌رود. حکومت جهانی مهدوی دارای مبانی و آرمان‌ها و دستاوردهای بزرگ و جهانی است. خداپرستی، عدالت‌خواهی، تعالی‌جویی، خاتمیت و جهان‌شمولی اسلام، امامت معصوم، حکومت دینی و ولایی از مبانی فلسفی و کلامی حکومت مهدوی به شمار می‌روند. لذا تصدیق حکومت جهانی مهدوی در گرو پذیرش اصول یاد شده است.

حکومت جهانی مهدوی آرمان‌ها و دست‌آوردهای مهمی دارد که همگی از نیازها و خواسته‌های فطری بشراند، از این روی مورد وفاق جامعه جهانی بوده و همین امر مهم‌ترین عامل تحقق‌پذیری آن خواهد بود. یکتاپرستی که ریشه در فطرت انسانی دارد، نخستین محصول عقیدتی حکومت مهدوی است. علاوه بر آن، گسترش فضایل و ارزش‌های دینی و برچیده شدن بساط محرّمات و ناپاکی‌ها از فضای زندگی بشر خواهد بود. جهان‌شمولی عدالت و مساوات را می‌توان محور این حکومت در عرصه اجتماعی دانست. فراگیر شدن امنیت به صورت کامل، توسعه عمران و آبادانی سرزمین‌ها و به دنبال آن تحقق رفاه عمومی، گسترش و تعمیق صفا و صمیمیت و برقراری رابطه دوستی خالصانه از خصوصیات دیگر این حکومت به شمار می‌رود که در پرتو آن زندگی، لذت بخش و بهشت آسا خواهد شد. گویی در پایان عمر دنیا جلوه‌ای از زندگی دل‌انگیز بهشتی که در سرای قیامت نصیب پارسایان خواهد شد، در این جهان به نمایش گذاشته می‌شود. رهایی بشریت از آتش فتنه‌های شیطانی، نابودی بدعت‌ها و احیای سنت‌های نیک معصومان از دیگر دست‌آوردهای این حکومت الهی است و سرانجام عقول بشری تکامل می‌یابد و علم و دانش به آخرین درجه کمال خود می‌رسد.

در آمد

اعتقاد به ظهور منجی و مصلحی جهانی ایده‌ای فراگیر و همگانی است. به جز کسانی که به تاریخ نگاه بدبینانه و منفی دارند، پیروان مکتب‌ها و ادیان مختلف، ایده مهدویت به معنای مزبور را باور دارند. تفاوتی که در این باره وجود دارد، مربوط به ویژگی‌های شخصی و شخصیتی مصلح جهانی است. در تفکر اسلامی، منجی و مصلح جهانی «مهدی» نام دارد و از دودمان رسول گرامی اسلام ﷺ است. از دیدگاه شیعه دوازده امامی، مهدی موعود ﷺ از نسل امام حسین ﷺ و یگانه فرزند امام حسن عسکری ﷺ است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق در

شهر سامرا دیده به جهان گشود و چون حاکمان عباسی در پی قتل او بودند، خداوند وجود او را از دیدگان پنهان ساخت تا آخرین حجت الهی محفوظ بماند و آن گاه که شرایط ظهور و قیام او فراهم گردد، قیام کند و حکومت عدل جهانی را بر پا سازد. البته جمع کثیری از دانشمندان بزرگ اهل سنت اندیشه ولادت و غیبت مهدی موعود علیه السلام را می‌پذیرند، ولی مشهور آنان بر این باورند که منجی و مصلح جهانی هنوز به دنیا نیامده و در آستانه ظهور، دیده به جهان خواهد گشود. بررسی دلایل این دو دیدگاه فرصت و مجال دیگری می‌طلبد و از حوصله و رسالت این نوشتار بیرون است. در این نوشتار دکتربین مهدویت در سه بخش تبیین می‌شود:

۱. جهانی بودن قیام و حکومت مهدوی؛
 ۲. مبانی فلسفی و کلامی حکومت جهانی مهدوی؛
 ۳. اهداف و دستاوردهای حکومت جهانی مهدوی.
- اینک به تبیین محورهای یاد شده، می‌پردازیم:

حکومت جهانی مهدوی

۱. عقل و حکومت جهانی مهدوی:

وجود امام معصوم و تصرف او در امور جامعه بشری و مدیریت و رهبری سیاسی او مظهر و مصداق لطف الهی در مورد مکلفان می‌باشد. عبارت معروف خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب *تجريد الاعتقاد* که نوشته:

«وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا».

ناظر به این مطلب است. البته همین که مکلفان معتقد باشند که امام معصوم وجود دارد؛ اگرچه او را نمی‌بینند، در نوع رفتار آنها مؤثر خواهد بود و آنان را به طاعت خدا نزدیک و از معصیت او دور می‌سازد. البته آن حضرت از وضعیت مکلفان آگاه است و اعمال خوب آنها موجب خشنودی و اعمال بد آنان موجب ناراحتی او می‌گردد.

از یک طرف وجود امام و رهبری او مصداق لطف الهی است و از طرفی دیگر، موضوع قاعده لطف تکلیف و مکلف است و ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی، نژادی، زبانی، مکتبی و

غیره در این باره تأثیری ندارد. لذا این قاعده شامل حال همگان می‌شود و جامعه بشری را فرا می‌گیرد. بنابراین، مقتضای برهان عقلی لطف جهانی بودن حکومت مهدوی می‌باشد.

۲. قرآن و حکومت جهانی مهدوی:

آن دسته از آیات قرآن که ناظر بر حکومت مهدوی هستند نیز بیانگر جهانی بودن آن می‌باشند:

۱. «و لقد کتَبنا فی الزبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عبادی الصّالحون»^۱.

هر آینه پس از قطعی نمودن در ذکر (تورات یا قرآن) در زیور نوشتیم که صالحان وارث زمین خواهند شد.

چنان که روشن است در این آیه از حکومت صالحان بر کل زمین سخن به میان آمده است.

۲. «و نرید ان نمُنّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین»^۲.

اراده ما بر این تعلق گرفته است که مستضعفان در زمین را مورد امتنان و لطف خود قرار داده آنان را پیشوایان بشر و وارثان زمین قرار دهیم.

در دلالت این آیه بر جهان شمولی حکومت مهدوی، هیچ تردیدی وجود ندارد.

۳. «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض

کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم الذی ارتضی لهم»^۳.

خداوند خلافت بر زمین را به مؤمنان و صالحان از شما امت اسلامی وعده کرده است چنان که به پیشینیان چنین خلافتی را عطا فرمود و توانایی تحقق بخشیدن به دینی که برای آنان پسندیده است را به آنان خواهد داد.

طبق روایات بسیاری از امامان معصوم علیهم السلام این آیه بر حکومت جهانی مهدوی تطبیق گردیده است^۴، و مفاد آن خلافت در کل زمین است.

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. قصص، ۵.

۳. نور، ۵۵.

۴. تفسیر برهان، ج ۳، صص ۱۴۶-۱۵۰.

۴. «الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امرؤا

بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الأمور»^۱.

انسان‌هایی که اگر به آنان در زمین مکتب و قدرت عطا کنیم نماز برپا داشته، زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و فرجام امور از آن خداوند است.

این آیه، اگرچه شامل حکومت‌های محدود و منطقه‌ای الهی هم می‌شود، ولی شکی نیست که مصداق کامل آن حکومت جهانی مهدوی علیه السلام است، بدین جهت امام باقر علیه السلام فرموده: این آیه مربوط به مهدی آل محمد علیهم السلام و یاران او است؛ خداوند آنان را مالک شرق و غرب جهان می‌سازد، او دین را آشکار نموده و با کمک یارانش بدعت و باطل را از میان بر می‌دارد.^۲

۳. حکومت جهانی مهدوی در روایات:

روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او آشکارا بر جهانی بودن حکومت مهدوی دلالت دارند. چنان که در حدیث مشهوری که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده فرموده است:

اگر حتی جز یک روز از عمر دنیا باقی بماند خداوند مردی از خاندان مرا بر می‌انگیزد تا جهان (زمین) را پر از عدل و داد سازد، چنان که پیش از آن ظلم و جور فراگیر شده بود.^۳

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده است:

«دنیا پس از این که به ما پشت کرده سرانجام به سوی ما باز خواهد گشت همان گونه که شتر جموش به سوی فرزندش باز می‌گردد».

آن‌گاه آیه «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض...» را تلاوت فرمود.^۴ ابن ابی

الحدید در شرح سخن امام علیه السلام گفته است به اعتقاد اصحاب ما این سخن امام ظهور و قیام امامی را وعده می‌دهد که مالک زمین گردیده و بر همه سرزمین‌ها استیلا می‌یابد.^۵

۱. حج، ۴۱.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۰.

۳. سنن ابی داود، ص ۶۷۱ ح ۴۲۸۲ و ص ۶۷۲ ح ۴۲۸۵؛ منتخب الاثر، صص ۱۴۲-۱۴۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۰ ح ۸۶۶۹.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۰۹.

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۶.

امام باقر علیه السلام نیز فرموده:

قائم (مهدی موعود علیه السلام) از خاندان ماست، نصرت خداوند او را تأیید می‌کند و با ایجاد رعب در دل دشمنان از نصرت الهی بهره‌مند می‌گردد، همه زمین در اختیار او قرار می‌گیرد و گنجینه‌ها و اندوخته‌ها بر او آشکار می‌شود، حکمرانی او شرق و غرب را در بر می‌گیرد، خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان مسلط و نمایان می‌گرداند. هر چند مشرکان خوش ندارند.

روایات در این باره بسیارند ولی به نمونه‌ای یاد شده بسنده می‌کنیم.

۱۵ ب: مبانی حکومت جهانی مهدوی

مقصود از این مبانی، مقدمات و مقومات فکری و اعتقادی حکومت جهانی مهدوی می‌باشد، یعنی تصویر و تصدیق حکومت جهانی، متوقف بر تصویر و تصدیق آنهاست. این مبانی عبارت‌اند از:

۱. خدا پرستی:

از آن جا که حکومت جهانی مهدوی حکومتی است الهی نخستین مبنا و شالوده فکری و عقیدتی آن خداپرستی است، یعنی تصویر حکومت جهانی مهدوی - آن گونه که در شریعت اسلامی ترسیم شده - در گرو اعتقاد به وجود خداوند و پرستش او است. کسی که خدا را انکار کند و او را نپرستد، نمی‌تواند به حکومت جهانی مهدوی معتقد گردد.

به عبارت دیگر: نخستین گام تئوریک برای قبول حکومت جهانی مهدوی نفی ماتریالیسم و پذیرش جهان‌بینی الهی و توحیدی است.

براهین اثبات وجود خداوند و نفی ماتریالیسم در کتاب‌های کلامی و فلسفی بیان گردیده

است.

۲. عدالت خواهی و تعالی جویی انسان:

اندیشه حکومت جهانی مهدوی، که پرچمدار عدالت و تعالی انسانی در سطح جهانی است، بر این اصل استوار است که انسان فطرتاً عدالت خواه و تعالی جو است. اگرچه تاریخ بشر کارنامه درخشانی در این باره نداشته و همواره ستم‌گری و تباهی‌گرایی قدرت طلبان و سلطه-گران راه را بر بسط عدالت و تعالی جوامع بشری بسته و عدالت خواهی و تعالی جویی قربانیان بی‌شماری داده است، ولی تمایل به عدالت و عشق به فضیلت هیچ‌گاه از زندگی بشر به کلی رخت بر نبسته و همواره انسان‌های برجسته و بی‌شماری در این راه فداکاری کرده‌اند. امروز نیز چراغ عدالت همچنان پرفروغ است، منتها در طول تاریخ انسان‌های شیطان سیرت با استفاده از جهالت و اهرم‌های شیطانی دیگر مانع بسط و گسترش چنین روحیه و اندیشه‌ای در جهان شده و اجازه نداده‌اند این تمایل و اندیشه به صورت یک عزم جهانی نمایان گردد. لذا این پدیده فرخنده در آینده تاریخ رخ خواهد داد و زمینه حکومت جهانی مهدوی فراهم خواهد شد.

۳. اسلام و خاتمیت:

حکومت جهانی مهدوی حکومتی اسلامی است، بر این اساس، دومین مبنای فکری و تصدیقی آن پذیرش اسلام به عنوان آخرین شریعت آسمانی است.

۴. جهان شمولی اسلام:

شریعت اسلام، علاوه بر این که آخرین شریعت الهی می‌باشد، آیینی است همگانی و جهان شمول و چنان که برخی پنداشته‌اند، تنها به جامعه عرب اختصاص ندارد. دلایل جهان شمولی اسلام در کتاب‌های کلام و تفسیر تبیین شده است.

۵. اسلام و حکومت:

حکومت یکی از ارکان شریعت اسلام است، این گونه نیست که اسلام صرفاً به مسایل اعتقادی، اخلاقی و اخروی پرداخته باشد، بلکه به حیات مادی و دنیوی بشر نیز اهتمام ورزیده و تحقق امنیت و عدالت را در جامعه بشری از اهداف بزرگ خود قرار داده است. البته این مسئله اختصاص به اسلام ندارد، بلکه همه شریعت‌های آسمانی دارای چنین ویژگی‌ای بوده‌اند.

این مطلب از آیات مربوط به نبوت عامه به روشنی به دست می‌آید، زیرا در این آیات از داوری در اختلافات میان مردم^۱ و برپایی قسط در جامعه^۲ به عنوان اهداف عمومی پیامبران یاد شده است. اصولاً بخش عظیمی از احکام اسلام به گونه‌ای است که بدون تشکیل حکومت اسلامی زمینه اجرای آنها به نحو مطلوب فراهم نخواهد شد.

بنابراین، یکی از مبانی نظری حکومت جهانی مهدوی نفی نظریه سکولاریسم و جداسازی حکومت از دین است. لذا آنان که به سکولاریسم اعتقاد دارند نمی‌توانند حکومت جهانی مهدوی را قبول و باور داشته باشند. در این جا، سکولارهای مسلمان با انبوه روایاتی روبرو خواهند شد که از حکومت جهانی مهدوی سخن به میان آورده و از عدالت و امنیت جهانی و عمران سرزمین‌ها به عنوان دست‌آوردهای بزرگ آن یاد کرده‌اند. بدون شک این روایات اندیشه سکولاریسم را، به ویژه در مسئله مهدویت، مردود می‌سازند.

۶. حکومت ولایی:

حکومت جهانی مهدوی حکومتی ولایی است، حکومت ولایی ریشه در ولایت و مشیت خداوند دارد و مشروعیت حکومت از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می‌گیرد،^۳ برخلاف حکومت‌های امروزی بشر که منشأ مشروعیت آنها خدایی نیست، حال یا نژاد و وراثت است، مانند حکومت‌های سلطنتی، یا غلبه و استیلای نظامی است، مانند حکومت‌های کودتایی، یا رأی و خواست اکثریت افراد یک جامعه است مانند حکومت‌های دموکراتیک. منطق حکومت ولایی این است که هیچ‌کس بدون رضایت دیگران حق تصرف در امور دیگران را ندارد، و از طرفی معمولاً رضایت همگانی برای دخالت فرد یا افرادی در سرنوشت آنها حاصل نمی‌شود.

براین اساس، هیچ‌یک از حکومت‌های بشری از مشروعیت دینی برخوردار نیستند، اما حکومت ولایی که از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می‌گیرد، از چنین مشروعیتی برخوردار است، زیرا خداوند، آفریدگار و مالک انسان و جهان است و بالذات حق تصرف در امور بندگان خود را دارد، و از طرفی، افعال الهی - اعم از تکوینی و تشریحی - بر مبنای علم و حکمت و

۱. «كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وانزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه». (بقره، ۲۱۳).

۲. «لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط». (حدید، ۲۵).

۳. «انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتوا الزكاة و هم راکعون». (مائده، ۵۵).

رحمت استوار است و هیچ‌گونه عیب و نقصی در آن راه ندارد. بر این اساس اگر کسی را به عنوان پیشوای دینی و دنیوی مردم برگزینند، از مشروعیت دینی برخوردار خواهد بود. البته، اعمال رهبری سیاسی و اجتماعی بدون مقبولیت مردم امکان‌پذیر نیست، از این رو تحقق یافتن حاکمیت سیاسی پیامبران و امامان منوط به آمادگی و پذیرش جامعه بوده که این شرط در مواردی تحقق یافته، و در موارد بسیاری نیز تحقق نیافته است. بدون شک شرط مزبور در حکومت جهانی مهدوی به شکل ایده‌آل تحقق خواهد یافت و در نتیجه مشروعیت الهی آن با مقبولیت عمومی بشر هم‌آهنگ خواهد گردید.

البته، شرط ولایی بودن با شرط‌های پیشین این تفاوت را دارد که اگر کسی به حکومت ولایی هم اعتقاد نداشته باشد ولی حکومت اسلامی را به رهبری حضرت مهدی علیه السلام بپذیرد می‌تواند به حکومت جهانی مهدوی اعتقاد داشته باشد، هر چند مبنای مشروعیت آن را خواست مردم بدانند، چون پیش فرض حکومت جهانی مهدوی این است که حداقل، عموم مستضعفان جهان رهبری آن پیشوای دادگستر را خواهند پذیرفت و از او حمایت خواهند کرد. از دیدگاه این افراد مقبولیت عمومی حکومت مهدوی تأمین‌کننده مشروعیت دینی آن هم خواهد بود، ولی مطابق نظریه ولایی بودن حکومت، مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشند.

۷. امامت معصوم:

حکومت جهانی مهدوی براساس دیدگاه شیعه، توسط آخرین امام معصوم تحقق خواهد یافت، لذا امامت معصوم نیز یکی از مبانی این حکومت به شمار می‌رود. روشن است که این شرط از دیدگاه مذاهب غیرشیعی لازم نمی‌باشد. اما از آن جا که به مقتضای دلایل عقلی و نقلی مذهب شیعه اثناعشری کامل‌ترین مذهب اسلامی است، اندیشه مهدویت در کامل‌ترین شکل آن در این مذهب تبلور یافته است.

۱۵ دست‌آوردهای حکومت جهانی مهدوی

دست‌آوردهای حکومت جهانی مهدوی با آرمان‌های آن برابر است، زیرا عموم انسان‌ها آرزوی تحقق آن را دارند و نمونه‌اعلای حکومت‌هایی است که تمام پیامبران الهی و عدالت

خواهان جهان در پی برپایی آن بودند، ولی در مقیاس جهانی جامعه عمل بر تن نکرده است؛ به هر حال حکومت جهانی مهدوی حکومتی است که تجلی کامل مشیت الهی در قالب حکومت ولایی در زندگی بشری است. بنابراین، در باره حکومت جهانی مهدوی می‌توان گفت آنچه همه حکومت‌های خوب دارند و یا باید داشته باشند، این حکومت به تنهایی در بردارد. از این روی، حکومت جهانی مهدوی فصلی از کتاب تاریخ سیاسی، عقیدتی، اخلاقی، عرفانی و اجتماعی بشر را رقم خواهد زد که عصاره همه مکارم و فضایل انسانی است.

این حکومت از یک سو نقطه پایان حیات بشری در سرای دنیا و مطلع زندگی اخروی خواهد بود و آنچه در این حکومت در حد ظرفیت دنیا تبلور خواهد یافت حاکمیت، علم، قدرت، حکمت، عدالت، رحمت الهی در زندگی انسان است و مستکبران مستوجب قهر الهی می‌شوند. از سوی دیگر، مستضعفان طعم شیرین عدالت و رحمت را در همه ابعاد زندگی اجتماعی خواهند چشید، چنان که مجموعه حیات بشری نشان‌گر علم، قدرت، حکمت و رحمت خداوندی خواهد بود. در چنین شرایطی نظام زندگی اجتماعی بشر بر حقیقت استوار خواهد گردید و ستم‌گری، جهالت و امثال آن ریشه کن خواهد شد.

ما در این جا با الهام‌گیری از آیات و روایات نمونه‌هایی از دست‌آوردهای حکومت جهانی مهدوی را بازگو می‌کنیم، چون آگاهی از این دست‌آوردها و توجه به آنها می‌تواند زمینه‌ساز سنجش حکومت جهانی مهدوی را با حکومت‌های دیگر که فیلسوفان و سیاست‌مداران غربی تحت عنوان «جهانی‌سازی» از آن یاد می‌کنند فراهم می‌سازد:

۱۰. جهان شمولی یکتاپرستی و اسلام

پیامبران الهی از آدم تا خاتم منادیان توحید و یکتاپرستی بوده‌اند:

«و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت»^۱

«هر آینه در میان هر امتی پیامبری را برگزیدیم تا آنان را به پرستش خداوند و دوری

از طاغوت دعوت نماید».

نهضت‌های پیامبران با توحید آغاز شده و نخستین شعار و پیام آنان این بوده:

«اعبدوا الله ما لكم من اله غيره»^۱.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در نخستین شعار و پیام خود به مردم فرمود:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا».

اما در طول تاریخ بشر بیوسته طاغوتیان در برابر پیامبران ایستادند و از تحقق این آرمان الهی در شکل جهانی و همگانی آن جلوگیری کردند، اما این آرمان در حکومت جهانی مهدوی واقعیت خواهد یافت.

«هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و

لو كره المشركون»^۲.

اوست خدایی که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب و نمایان سازد اگرچه مشرکان آن را نپسندند.

در احادیث متعددی که از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده آمده است که آیه یاد شده ناظر به ظهور مهدی موعود^۳ و هنگامی است که حضرت عیسی^۴ از آسمان به زمین فرو می آید. در آن زمان هیچ آیینی جز اسلام رسمیت نخواهد داشت. سیوطی از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که گفته است:

این آیه تحقق نمی یابد مگر هنگامی که یهودی و نصرانی پیرو هیچ آیین آسمانی ای جز اسلام نخواهد بود و این زمانی است که عیسی بن مریم از آسمان نازل می شود.^۳

شیخ صدوق از ابوبصیر روایت کرده که گفت: امام صادق^۵ درباره آیه یاد شده فرمود:
تاویل این آیه هنوز تحقق نیافته، و تا وقتی قائم ما خروج ننماید تاویل آن تحقق نخواهد یافت، هنگامی که او قیام کند هر کافر و مشرکی از قیام او ناخشنود خواهد بود.^۴

۱. اعراف، ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵.

۲. توبه، ۳۳.

۳. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۶۱.

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۱.

طبرسی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

این آیه هنگام خروج مهدی آل محمد علیهم السلام تحقق خواهد یافت در آن زمان

هیچ کس باقی نخواهد ماند مگر این که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان می آورد.^۱

در این جا یادآوری دو نکته لازم است:

الف) گرچه آیین‌های یهود و مسیحیت نیز به عنوان ادیان ابراهیمی و توحیدی شناخته می‌شوند، ولی با توجه به عقاید آنان دربارهٔ عزیر و مسیح علیه السلام و نیز دربارهٔ احبار و رهبان و نظایر آن این ادیان توحیدی خالص نیستند. و یگانه آیین توحیدی خالص آیین اسلام است، از این رو، در حکومت جهانی مهدوی توحید با معیار اسلامی آن در جهان گسترش خواهد یافت و در نتیجه آن چه به عنوان دین رسمی پذیرفته می‌شود تنها دین اسلام است.

ب) غلبه و ظهور دین اسلام بر ادیان دیگر دو جلوه دارد. یکی از نظر منطق و استدلال، و دیگری از نظر حاکمیت سیاسی. آن چه تا کنون تحقق نیافته و با قیام امام عصر علیه السلام تحقق خواهد یافت، نوع دوم است اما نوع نخست از آغاز ظهور اسلام پیوسته محقق بوده و خواهد بود.

﴿أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ

كَرْهاً﴾^۲

آیا جز دین خداوند را بر می‌گزینند در حالی که همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از روی رضایت یا کراهت تسلیم او شده‌اند.

در تأویل این آیه از امامان معصوم علیهم السلام روایت شده که مقصود از اسلام توحید و یکتاپرستی است، و تحقق آن به صورت جهانی و همگانی در زمان ظهور و قیام مهدی موعود علیه السلام تحقق خواهد یافت. عیاشی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که پس از تلاوت این آیه فرمود:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند سرزمینی یافت نخواهد شد مگر آن که در آن

به یگانگی خداوند و نبوت پیامبر اسلام گواهی داده خواهد شد.^۳

۱. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۵.

۲. آل عمران، ۸۳.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

از امام کاظم علیه السلام هم روایت شده که فرمود:

این آیه ناظر به قیام قائم علیه السلام می‌باشد. در آن هنگام پیروان همه مذاهب یا از روی رضایت یا کراهت آیین اسلام را خواهند پذیرفت.^۱

۲. گسترش فضایل و ارزش‌های دینی

حکومت جهانی مهدوی نمونه‌ای ایده‌آل از یک حکومت دینی است، طبیعی است که آن چه برای یک حکومت دینی اولویت دارد توسعه و تعمیق باورها و رفتارهای دینی مردم است. البته این کار نیازمند برنامه‌ریزی جامع است تا مسایل رفاهی و نیازهای طبیعی و دنیوی بشر را هم در برداشته باشد. چنان که پس از این بیان خواهد شد. این مسایل در حکومت جهانی مهدوی جایگاه خاص خود را دارند. اما اینک سخن از دست‌آوردهای حکومت جهانی مهدوی است که یکی از آنها گسترش فضایل و ارزشهای دینی در گستره جهانی است. یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق این آرمان این است که دولت مردان و کارگزاران حکومت مهدوی از شایسته‌ترین انسان‌ها و دین‌دارترین آنها خواهند بود:

«ان الأرض يرثها عبادي الصالحون»^۲.

«صالحان وارثان زمین خواهند شد.»

«الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا

بالمعروف و نهوا عن المنکر»^۳.

«آنان کسانی‌اند که نماز بر پا می‌دارند، زکات می‌دهند، امر به معروف و نهی از منکر

می‌کنند.»

درباره یاران حضرت مهدی علیه السلام که در حقیقت عناصر اصلی حکومت مهدوی می‌باشند، روایت شده است که مصادیق آیه کریمه «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و

۱. همان، نیز رک: تفسیر صافی، ج ۲، ص ۷۳.

۲. انبیاء، ۱۰۵.

۳. حج، ۴۱.

لا یخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء والله واسع علیم^۱ می‌باشند. این آیه کریمه از انسان‌هایی خبر می‌دهد که خداوند آنان را در آینده پدید خواهد آورد، خداوند آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز خداوند را دوست می‌دارند، در برابر مؤمنان اظهار ذلت می‌کنند و با کافران با عزت برخورد می‌کنند، در راه خدا جهاد کرده و از ملامت ملامت‌گران نمی‌هراسند. این ویژگی‌ها جلوه‌هایی از فضل خداوند است که بر اساس مشیت حکیمانه‌اش به افراد می‌دهد.^۲

بی‌شک هر گاه رهبران سیاسی جامعه انسان‌هایی پارسا و متدین باشند، جامعه به سوی پارسایی و دین‌داری گرایش خواهد داشت. چنان که گفته شده است: «الناس علی دین ملوکهم». لذا با توجه به این عوامل جامعه در عصر حکومت مهدوی جامعه‌ای است که به احکام، فضایل و ارزش‌های دینی اهتمام می‌ورزد و مردم را به عبادات اسلامی سوق می‌دهد. چنان که از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دوران حضرت مهدی علیه السلام چنین روایت شده:

«و یقبل الناس علی العبادات والشرع والدیانة والصلوة فی الجماعات و

تؤدی الأمانات.»^۳

«مردم به عبادات و اهتمام به شرع و دینداری و نمازهای جماعت روی می‌آورند و

امانت‌ها به صاحبانشان بازگردانده می‌شود.»

۳. برچیده شدن بساط محرّمات الهی

این دست‌آورد در حقیقت متمم و مکمل دست‌آورد پیشین و ملازم با آن است، زیرا هنگامی که در جامعه جهانی فرهنگ فضایل و ارزش‌های دینی حاکم گردد زمینه‌ای برای ظهور گناه و ناپاکی باقی نخواهد ماند، و از طرف دیگر بدون برچیده شدن بساط ناپاکی‌ها و محرّمات الهی فرهنگ فضایل و ارزش‌های دینی حاکم نخواهد شد. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث مذکور فرموده است:

«و ینذهب الزنا و شرب الخمر و ینذهب الربا.»^۴

«(در عصر حکومت مهدوی) بساط زنا، شراب‌خواری و رباخواری برچیده خواهد شد.»

۱. مانند، ۵۴.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۵.

۳. همان، ص ۴۷۴.

۴. همان.

۴. جهان‌شمولی عدالت و مساوات

جهان‌شمولی عدالت و برابری در حکومت مهدوی از چنان جایگاه بالا و والایی برخوردار است که به عنوان بیت‌الغزل مهدویت در تفکر اسلامی به شمار می‌رود و در احادیث مهدویت به عنوان برجسته‌ترین آرمان قیام مهدی علیه السلام مطرح گردیده است. این برجستگی از یک سو، به دلیل جایگاه ویژه‌ای است که عدالت و مساوات در جهان‌بینی توحیدی دارد و از سوی دیگر تمام ارزش‌ها را در بردارد. اگر عدالت در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی انسان تحقق یابد، چیزی جز توحید، و ملکات انسانی تحقق نخواهد یافت. البته، این نکته را نباید فرو گذاشت که عدالت آن‌گاه که با مقوله حکومت همراه گردد پیش از هر چیز به عدالت اجتماعی مانند اقتصادی، حقوقی، سیاسی و... نظر دارد و ناظر به مسایل اعتقادی و اخلاق فردی نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرموده:

«إن أفضل قرة عين الولاية استقامة العدل في البلاد»^۱

«بهترین چشم‌روشنی برای حاکمان این است که در سرزمین‌های تحت حکومت آنان عدالت برپا گردد.»

این مسئله به شکل کامل در حکومت جهانی مهدوی تحقق خواهد یافت.

ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

شما را به مهدی بشارت می‌دهم. او زمین را آکنده از عدالت خواهد کرد
 آن‌گونه که پیش از او پراز ظلم و ستم شده بود، لذا اهل آسمان‌ها و زمین از
 او راضی خواهند بود. او اموال را به طور یکسان میان مردم تقسیم می‌کند.^۲

مقصود از اموال در این روایت، اموال عمومی و اموال متعلق به عموم مردم است. در چنین اموالی همه افراد به طور یکسان سهم دارند و تفاوت‌های قومی، نژادی، مقامی، مالی و غیره ملاک امتیاز در سهم بیشتر نخواهد بود، نه ثروتمند می‌تواند مدعی سهم بیش‌تر شود و نه فقیر. آری، در شریعت اسلامی برای فقیران حقوق مالی ویژه‌ای در اموال ثروتمندان در نظر گرفته شده است که هر گاه ثروتمندان آن حقوق را بپردازند، مشکل اقتصادی مستمندان هم حل خواهد شد.

۱. نهج البلاغه، عهد نامه مالک اشتر.

۲. نورالابصار، ص ۳۴۷؛ منابع الموده، ج ۲، ص ۵۲۸.

البته در حکومت مهدوی، هم اموال عمومی به طور یکسان در میان مردم تقسیم می‌شود و هم سهم ویژه مستمندان از اموال ثروتمندان دریافت و به آنان پرداخت می‌گردد.

۵. فراگیری امنیت

امنیت یکی از مقوله‌هایی است که پیوسته مورد توجه حاکمان و سیاستمداران بوده است. لذا یکی از آرمان‌های حکومت مهدوی برقراری امنیت در جامعه است. به گونه‌ای که جان، مال و حیثیت افراد جامعه از تجاوز دیگران در امان باشد. در جامعه‌ای که امنیت برقرار نباشد زندگی تلخ و ناگوار خواهد بود. رسالت حکومت جهانی تحقق امنیت برای همه شهروندان، به ویژه مظلومان و مستضعفان است، زیرا آنان بیش‌تر در معرض نا امنی‌اند. بدین جهت امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از آرمان‌های حکومت اسلامی و علوی را ایجاد امنیت مظلومان می‌داند:

«فیأمن المظلومون من عبادک»^۱.

در حدیثی آمده است:

«إذا قام القائم علیه السلام حکم بالعدل و ارتفع الجور و آمنت به السبل»^۲.

«هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند براساس عدالت، داوری می‌کند و بساط ستم‌گری برچیده خواهد شد و به واسطه او راه‌ها امنیت خواهد داشت.»

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

«امنیت در عصر حکومت مهدوی علیه السلام به گونه‌ای است که پیرزنی می‌تواند

از مشرق به سوی مغرب سفر کند و هیچ کس به او آزاری نرساند»^۳.

۶. توسعه عمران و آبادانی

یکی از اهداف حکومت‌های دینی و رسالت‌های حاکمان الهی آباد کردن و عمران سرزمین‌ها و مناطق مسکونی بوده است. این مسئله از دیدگاه قرآن کریم یکی از رسالت‌های آدمیان است، چون خداوند این کره خاکی را مهد آسایش و آرامش بشر قرار داده است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲. منتخب الاثر، ص ۳۰۸.

۳. همان؛ منابع الموده، ص ۴۸۰.

بر همین اساس امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز عهدنامه خود به مالک اشتر از او خواسته است تا به عمران و آبادانی سرزمین‌های الهی تحت حکومت خود بپردازد: «عمارة بلادها»^۱

این دست‌آورد حکومت جهانی در روایات متعددی که شیعه و اهل سنت روایت کرده‌اند آمده است؛ مانند:

الف. أَنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ الْبَيْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابَ الْإِيعَمَّرِ.^۲

حکومت مهدی موعود علیه السلام شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد، و گنج‌های نهفته در زمین برای او آشکار می‌شود، و هیچ جای ویرانی در زمین باقی نمی‌ماند و همه آنها آباد می‌گردد.

ب. يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ، وَ يَظْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَ عَلِيٍّ الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَّرَ.^۳

فرمان‌روایی مهدی موعود علیه السلام شرق و غرب عالم را در بر می‌گیرد، خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می‌گرداند و در زمین خرابه‌ای باقی نمی‌ماند، و همگی آباد می‌شود.

نکته شایان ذکر این که آبادانی زمین دو جلوه دارد: جلوه مادی و جلوه معنوی. در جهان‌بینی توحیدی عمران و آبادانی زمین در شکل ایده‌آل آن در گرو تحقق هر دو جلوه است. اصولاً آبادانی مادی اگر با آبادانی و اصلاح معنوی همراه نباشد، آبادانی نخواهد بود، زیرا آبادانی حیات انسانی آنگاه تحقق می‌یابد که حیات معقول او آباد باشد و آبادانی مادی و جسمانی در خدمت حیات معقول او قرار گیرد. لذا در حدیث پیشین جمله «فلا یبقی فی الارض خراب الا قد عمر» بر حاکمیت فرهنگ توحیدی اسلام بر مشرق و غرب متفرع گردیده است و این تفریع بیان‌گر دو نکته است:

الف: جامعه توحیدی و اسلامی باید به مسئله آبادانی و عمران سرزمین‌ها اهتمام ورزد.

ب: عمران و آبادانی واقعی در گرو حاکمیت فرهنگ توحیدی و اسلامی در جوامع بشری است.

۱. نهج البلاغه، عهد نامه مالک اشتر، (۵۳).

۲. ینابیع المودة، ج ۲، ص ۵۲۹.

۳. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۳۱.

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که خداوند در شب معراج به من فرمود:

به واسطه قائم از خاندان تو زمین خود را با تسیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجید خود آباد می‌سازم، و زمین را از دشمنان پاک می‌سازم و دوستان خود را وارث آن می‌گردانم.^۱

۷. رفاه عمومی

در جهان بینی توحیدی فقر و تهی دستی امر نامطلوبی است. بدین جهت یکی از رسالت‌های مهم پیامبران الهی مبارزه با پدیده فقر و تهی دستی بوده است. لذا در شرایع آسمانی برای حل این معضل اجتماعی راه کارهایی اندیشیده شده است که کامل‌ترین آن در شریعت اسلام است. خداوند بر قریش منت می‌گذارد که بواسطه قرار دادن کعبه در شهر مکه آنان را از دو خطر ناامنی و فقر نجات داده است زیرا آنان از طریق تجارت به سرزمین‌های دیگر معیشت خود را تأمین می‌کردند و به دلیل احترام خانه کعبه راهزنان متعرض آنها نمی‌شدند.^۲ و اینک مقتضای شکر این دو نعمت این است که خداوند را عبادت کنند.

﴿فلیعبدوا ربّ هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف﴾.^۳

با این حال فقر و تهی دستی یکی از معضلات ناگوار بشر بوده است و با همه کوشش‌ها و تدبیرهایی که انجام گرفته به صورت مطلق ریشه‌کن نشده و هیچ‌گاه رفاه عمومی فراهم نگردیده است. امروزه نیز سازمان‌ها و نهادهای گوناگونی به نام مبارزه با فقر و تهی دستی وجود دارند و تلاش‌هایی نیز می‌کنند، ولی متأسفانه آمار تهی‌دستان و حتی کسانی که به سبب فقر و بیچارگی به کام مرگ می‌روند، روز به روز بالا می‌رود. اما در حکومت جهانی مهدوی فقر و تهی دستی به کلی ریشه‌کن خواهد شد و رفاه عمومی تحقق خواهد یافت.

از پیامبر گرامی ﷺ روایت شده که فرمود:

در دوران حکومت مهدوی مردم به گونه‌ای از نعمت‌های الهی بهره‌مند می-

شوند که در تاریخ بشر بی سابقه بوده است، در آن دوران زمین همه خوردنی-

۱. منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

۲. المیزان، ج ۲۰، ص ۲۶۶.

۳. قریش، ۳-۴.

های خود را در اختیار بشر قرار می‌دهد و اموال روی هم انباشته خواهد بود. به گونه‌ای که افراد به سهولت از آن بهره‌مند می‌گردند.^۱

در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

در عصر حکومت مهدوی زمین گنج‌های خود را آشکار خواهد کرد و مردم آنها را مشاهده می‌کنند و از نظر معیشت به گونه‌ای هستند که فردی در طلب یافتن شخصی بر می‌آید که از مال خود به او انعام نماید و زکات مالش را به او بپردازد، ولی پیدا نمی‌کند، زیرا مردم به آنچه خداوند به آنها روزی داده از دیگران بی‌نیاز می‌باشند.^۲

ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

عدالت مهدوی شامل عموم مردم می‌شود [و در نتیجه فقر و نیازمندی از جامعه بشری رخت بر می‌بندد لذا هنگامی که] فردی از طرف حضرت مهدی علیه السلام اعلان می‌کند که اگر کسی به مال و ثروت احتیاج دارد برخیزد، تنها یک نفر قیام می‌کند. امام علیه السلام او را نزد مسئول بیت‌المال می‌فرستد تا اموالی را به وی عطا کند، خزانهدار جامه او را پر از مال و ثروت می‌کند، در این هنگام آن فرد از کرده خود پشیمان می‌گردد و با خود می‌گوید من آزماندترین فرد امت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که چنین درخواستی کردم و اموال را به مسئول بیت‌المال باز می‌گرداند ولی او آن را نمی‌پذیرد و می‌گوید: آنچه را بخشیدیم باز نمی‌ستانیم.^۳

در این باره سه نکته قابل توجه است:

۱. یکی از عوامل رفاه عمومی در حکومت جهانی مهدوی تلاش و برنامه‌ریزی عالمانه در جهت آباد ساختن زمین است. آن گاه که دستگاه حکومتی همه توان و تلاش خود را به صورت درست و با نیت خالص در جهت عمران و آبادانی سرزمین‌ها به کار گیرد و همه افراد

۱. منتخب الاثر، ص ۴۷۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳. نور الابصار، ص ۳۴۷؛ نایب الموده، ص ۵۲۸.

جامعه به تلاش مخلصانه و مدبرانه اقدام کنند، میزان تولید و درآمد ملی هم افزایش خواهد یافت. و رفاه عمومی و همگانی ایجاد خواهد شد.

۲. افزایش تولید و سرمایه‌های ملی به خودی خود رفاه عمومی را به دنبال نخواهد داشت، بلکه در پرتو عدالت اجتماعی حاصل می‌شود، یعنی از یک طرف فرصت‌ها و امکانات به صورت عادلانه در اختیار آحاد جامعه قرار خواهد گرفت و از سوی دیگر نظام عادلانه توزیع، مانع سودجویی دلالان و انگل‌های جامعه از حاصل دسترنج تولیدکنندگان می‌شود. بدین جهت در سخن پیامبر ﷺ بی‌نیازی مالی افراد در حکومت مهدوی بر حاکمیت و بسط عدالت در جامعه متفرع شده است.

۳. در سایه رشد معنوی افراد، صفات رذیله‌ای چون بخل، رانت‌خواری، حرص و آز از جامعه رخت بر می‌بندد، و انسان‌ها در پی مال‌اندوزی از هر طریق و به هر کیفیت نمی‌باشند، از این روی وقتی اعلان می‌شود که هر کس به مال نیاز دارد اظهار نماید تنها یک نفر بر می‌خیزد و سرانجام از کار خود پشیمان می‌شود.

۸ دوستی خالصانه

آن‌گاه زندگی اجتماعی لذت بخش و آکنده از صفا و صمیمیت است که افراد جامعه در ارتباط اجتماعی و خانوادگی خود به یک‌دیگر مهر بوززند و رابطه آنان بر اساس صداقت، محبت و دوستی خالصانه باشد؛ بدبینی، بدگمانی، حسادت، بخل، کینه و دیگر اوصاف رذیله از دل‌های آنان زدوده گردد. هرگاه این صفات ناپسند از میان آدمیان رخت بر بندد و صفات پسندیده جایگزین آنها شود زندگی، سعادت‌مندانه‌ای خواهند داشت. لذا آن‌چه زندگی اخروی مؤمنان و پارسایان را بهشتی می‌سازد، محبت و ورزی و دوستی خالصانه میان آنان است، قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخوانا علی سرر متقابلین»^۱.

«کینه‌ها و حسادت‌ها را از دل‌های آنان می‌زداییم در نتیجه آنان در بهشت بر تخت‌هایی

رو در روی یک‌دیگر می‌آرمند».

همه پیامبران الهی پیام‌آوران و پرچمداران محبت و دوستی خالصانه و بی‌شائبه بودند و توانستند در زمان خود با توجه به شرایط موجود به صورت نسبی به این هدف دست یازند، اما شکل ایده‌آل و همه‌جانبه آن در حکومت مهدوی تحقق خواهد یافت. حدیث ذیل در باره برقراری رابطه دوستی خالصانه در عصر مهدی موعود علیه السلام است که بسیار در خور توجه می‌باشد:

به امام باقر علیه السلام گفته شد: اصحاب ما در کوفه بسیارند اگر آنان را به قیام فرمان دهی، اطاعت خواهند کرد. امام علیه السلام فرمود: آیا رابطه آنان با یکدیگر بدین گونه است که یکی از آنان بدون اجازه از دیگری اندوخته مالی او را به اندازه نیاز خود بردارد؟ آن فرد پاسخ داد: خیر. امام علیه السلام فرمود: آنان که نسبت به مال خود بخل می‌ورزند، در مورد خون خویش بخیل‌تر خواهند بود. آن‌گاه افزود: این وضعیت ادامه خواهد داشت تا این که قائم ما علیه السلام قیام کند، در آن زمان دوستی خالصانه میان مردم برقرار خواهد شد؛ به گونه‌ای که فردی از اندوخته برادر دینی‌اش آنچه را که نیاز دارد بدون این که معنی در میان باشد، بر می‌دارد.^۱

۹. رهایی بشریت از آتش فتنه‌های شیطانی

واژه فتنه در اصل به معنای آزمودن است چنان که در قرآن کریم و روایات در موارد متعددی به این معنا به کار رفته است. گاهی به ناملایمات و شداید نیز از آن جهت که وسیله آزمایش افراد می‌باشند فتنه گفته می‌شود، لذا در بعضی موارد مال و فرزند نیز فتنه نامیده شده است. از سوی دیگر، فاعل فتنه اگر خداوند باشد قطعاً حکیمانه و پسندیده خواهد بود، ولی هرگاه از بشر سرزند می‌تواند ناپسند و مذموم باشد، چنان که کاربردهای قرآنی آن درباره انسان ناظر به معنای نکوهیده آن است.^۲

در هر حال، فتنه‌های نکوهیده آدمیان ریشه در خصلت‌های نفسانی و شیطانی آنان دارد. خودخواهی، حسادت، افزون‌طلبی، انتقام‌جویی کینه‌توزانه و نظایر آن ریشه‌های روانی و

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۲. مفردات راغب، صص ۳۷۱-۳۷۲، کلمه فتنه.

نفسانی فتنه‌ها و آشوب‌ها می‌باشند که به صورت آشکار و پنهان فضای زندگی اجتماعی را مکدر و آشفته می‌سازند.

حال یکی از دست‌آوردهای حکومت جهانی مهدوی این خواهد بود که فتنه‌گری‌ها از میان می‌رود و دل‌ها با یک‌دیگر مهربان گردیده، صمیمیت و هم‌دلی فضای زندگی اجتماعی را عطرآگین و مبارک می‌سازد؛ در حدیث نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده:

از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم آیا مهدی موعود علیه السلام از خاندان ما است یا از خاندان دیگر؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از خاندان ماست و همان‌گونه که دین اسلام با ما آغاز گردید با ما نیز پایان می‌یابد، و همان‌طور که امت ما از شرک رهایی یافت از فتنه‌ها نیز نجات می‌یابد و چنان‌که به واسطه ما عداوت‌های ناشی از فرهنگ جاهلی به الفت و هم‌دلی مبدل شد، دل‌های آنان پس از عداوت‌های ناشی از فتنه نیز به وسیله ما به یک‌دیگر مهربان خواهد شد و فتنه‌گری‌ها شکل اخوت دینی به خود خواهند گرفت.^۱

از قرار گرفتن لفظ فتنه با شرک در کنار هم می‌توان گفت که مقصود از فتنه در این حدیث، نفاق و دیگر خصلت‌های شیطانی و نفسانی است که بسیاری از انسان‌های یکتاپرست به آنها آلوده می‌باشند. این صفات نکوهیده منشأ رفتارهای غیرانسانی و غیراخلاقی گشته و انسان را از «حیات طیبه» بی‌بهره یا کم‌بهره می‌سازند. در جامعه مهدوی این رذایل شیطانی یا به کلی از بین می‌روند یا به حداقل کاهش می‌یابند و در نتیجه مردم از موهبت حیات طیبه الهی به طور کامل بهره‌مند می‌شوند.

۱۰. تکامل عقول

در جهان بینی توحیدی عقل جایگاهی بس بالا و والا دارد. عاقلان نیز از حرمت و کرامت ویژه‌ای برخوردارند. یکی از امتیازات پیامبران الهی برتری عقلی آنان بر دیگران بوده است،^۲ آنان در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنند، در احادیث آمده است که انجام فرایض دینی به تنهایی نشان‌گر کمال و تعالی شخصیت انسان نیست،

۱. نورالابصار، ص ۳۴۷.

۲. اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ح ۱۱.

بلکه کمال عقل است که نشان دهنده تکامل شخصیت انسان است.^۱ البته، مقصود از عقل آن است که انسان را به خدانشناسی، خداپرستی و جلب نعمت‌های الهی سوق دهد.^۲ به عبارت دیگر: آن چه در ستایش عقل آمده عقل قدسی است که در حوزه نظر، انسان را به معرفت درست خداوند رهنمون بوده و در حوزه عمل او را به تسلیم در برابر اوامر و نواهی الهی برمی‌انگیزد.

در طول تاریخ در پرتو هدایت‌های پیامبران و حکیمان الهی، انسان‌های بسیاری از موهبت کمال عقلی برخوردار شدند، اما بسیار اندک بودند. اما در حکومت مهدوی این پدیده مبارک گسترش خواهد یافت و عموم بندگان خدا را شامل خواهد شد. چنان که از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

«إذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم و كملت به احلامهم»^۳

«هنگامی که قائم ما قیام کند دست خود را بر سر بندگان خدا می‌نهد به واسطه آن عقول آنان به کمال می‌رسد».

لذا در پرتو تعالیم و ارشادهای حکیمانه امام عصر علیه السلام و آمادگی بشر برای بهره‌مندی از تعالیم الهی همگان از دانایی و حکمت در حد بالایی برخوردار خواهند شد، و هیچ‌گونه سخنی یا رفتار جاهلانه و سفیهانه‌ای نخواهند داشت.

۱۱. تکامل علوم

علم و دانش یکی از مکارم و مفاخر انسانی است. حضرت آدم علیه السلام به دلیل این که از موهبت «علم الاسماء» بهره‌مند بود، مسجود فرشتگان گردید.^۴ طبق احادیث اسلامی، مرگب دانشمندان بر خون شهیدان برتری دارد.^۵ اگر مؤمن غیردانشمند از درجه‌ای از کمال معنوی برخوردار است، مؤمن دانشمند دارای درجاتی از کمال معنوی خواهد بود.^۶

۱. همان، ج ۸ و ۹.

۲. «العقل ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان»، اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل والجهل، ج ۲.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

۴. بقره، ۳۱.

۵. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴.

۶. «رفع الله الذين آمنوا والذين اوتوا العلم درجات»، (مجادله، ۱۱)، ر.ک: المیزان، ج ۱۹، ص ۱۸۸.

علم و دانش انواع و مراتب بسیاری دارد و جز پیامبران و اولیای خاص خداوند که از علوم مختلف و مراتب آن بهره‌مند بوده‌اند (البته با توجه به اصل تفاضل میان آنان) اکثریت انسان‌ها تنها در زمینه‌هایی خاص و به صورت محدود به آن دست یافته‌اند. یکی از دست‌آوردهای حکومت مهدوی این است که علم و دانش در همه ابعاد آن گسترش یافته و افراد جامعه از کامل‌ترین مواهب علمی برخوردار خواهد گردید. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

علم از بیست و هفت حرف تشکیل شده است، مجموع علمی که پیامبران آورده‌اند دو حرف از این حروف بیست و هفت گانه بوده است و هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را در میان مردم منتشر خواهد ساخت و در نتیجه علوم به طور کامل در اختیار بشر قرار خواهد گرفت.^۱

۱۲. محو بدعت‌ها و احیای سنت‌ها

سنت عبارت است از: آنچه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان راه و رسم زندگی مطلوب و تبیین قرآن کریم به امت اسلامی آموخت.

پیامبر صلی الله علیه و آله برای حفظ و فهم کتاب و سنت، امت اسلامی را به صورت مؤکد به پیروی از عترت خویش توصیه کرد اما آنها به این سفارش به طور شایسته عمل نکردند و در نتیجه بدعت‌هایی در حوزه تفکر اسلامی پدید آمد. ولی اساس نامه و منشور حکومت جهانی مهدوی چیزی جز کتاب و سنت در شکل اصیل و صحیح آن نخواهد بود. از آن جا که مهدی موعود علیه السلام وارث علوم نبوی است، بدعت‌ها و سنت‌ها را به خوبی می‌شناسد. قبل از هر چیز بدعت‌ها را از دامن فرهنگ و تفکر اسلامی می‌زداید و سنت‌هایی که متروک و مهجور مانده‌اند احیا و اجرا می‌کند. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

«إذا قام القائم لا یرک بدعة الا ازالها، و لاسنة الا اقامها»^۲.

«هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند بدعت‌ها را زایل می‌سازد و سنت‌ها را بر پا می‌دارد.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

این موارد دوازده‌گانه نمونه‌هایی از مهم‌ترین دست‌آوردهای حکومت جهانی مهدوی است که مجموعه آنها جامعه‌ای آرمانی و ایده‌آل تشکیل می‌دهد و «حیات طیبه» قرآنی را به عنوان عالی‌ترین ارمغان، به جامعه انسانی عرضه می‌نماید.

چنین جامعه‌ای است که مطلوب و محبوب بشریت است، به همین سبب حکومت جهانی مهدوی با استقبال عمومی مواجه خواهد شد، و جز مستکبران که حیات شیطانی خود را در چنین جامعه‌ای در خطر می‌بینند با آن مخالفت نخواهند کرد؛ گرچه آنان نیز گرفتار خشم توده‌های عدالت‌جو، تعالی‌خواه و آرمان‌طلب خواهند شد.